

قطب بیست و هشتم

حضرت رضا علیشاه دکنی

مُروِجُ الشَّرِيعَةِ وَ مُحْيِي الطَّرِيقَةِ، العَارِفُ الْوَلِيُّ وَ السَّلْطَانُ السَّنِيُّ، رضا علیشاه دکنی. نام شریفش سید علیرضا و لقب طریقتی وی رضا علی شاه است. وی فرزند و جانشین شیخ شمس الدین است. مولد و موطنش حیدرآباد دکن بوده و پس از رحلت جناب شیخ شمس الدین پدر بزرگوارش، ارشاد و هدایت خلق را عهده دار و بر دست مبارک وی جمع کثیری وارد طریقه نعمت اللّهی گردیدند. طبق آنچه از ترجمه کتاب محبوب ذوالمنن، تذکره اولیای دکن تألیف محمد عبدالجبار فاضل هندی که به زبان اردو تدوین شده و به نقل از کتاب مشکوه النبوة مستفاد می‌شود، جناب رضا علیشاه پس از پدر بزرگوار تا مدت یک سال در کمال آسایش و راحت و آرامش به هدایت عباد اشتغال داشت آنگاه جذبه من جذبات الرحمن وی را در ربوده چنان از خود بی خود نمود که چندی از دنیا و مافیها خبر نداشت. در این هنگام میر علی برادر آن جناب که مضمون بعضی الأقارب کالعقارب را مصداق و در چنگال هوای نفس خود و حسد و خودخواهی اسیر و منقاد بود، موقع را مغتنم دانسته به کمک و همدستی والده آن جناب طوماری تهیه و در آن نسبت جنون به حضرت رضا علیشاه داده و جذبه الهی وارده بر آن جناب را اثر دیوانگی و زوال عقل خوانده و به فقرا و احباء پیشنهاد کرد که جناب ایشان تا عود سلامت ممنوع الخروج از خانقاه باشند و میرعلی به جای آن جناب پیشوا و رهبر فقرا باشد و به عنوان نیابت بر مسند ارشاد تکیه زند. و این طومار را مزورانه به امضاء عده‌ای از معاریف و مشایخ رسانده و به استناد آن، حضرت رضا علیشاه را محبوس نمود و خود همت بر انحراف فقرا از آن جناب و متوجه ساختن آنها به خود گماشت. تا اینکه فرزند آن جناب میر سید احمد نامه شکوائیه‌ای به پادشاه وقت نظام علیخان نوشته، درخواست رهائی پدر بزرگوار را از محبس عمّ بد کردار کرد. و به حکم پادشاه حضرت رضا علیشاه از حبس نجات یافته مجدداً زینت افزای محفل فقری و جمع فقرا گردید و مدتها به ارشاد خلف مشغول بود.

از حضرتش بارها کرامات و خوارق عادات بروز و ظهور نموده، از آن جمله: نظام علیخان را که به حکم وی حضرت شاه از حبس نجات یافته بود در سال یکهزار و دویست و نه لشگرکشی پیش آمد، و برای سرکوبی قبیله مرهته که قبیله‌ای بزرگ و عاصی در دکن بود ناچار شد به طرف کهرله هجوم برده به قطع شرارت آن عاصیان پردازد. و در همان اوقات که نظام علیخان به شدت مشغول محاربه بود باز حالت جذبه بر جناب رضا علیشاه طاری گردیده و وی شمشیر به دست گرفته، مقداری از اشجار باغ خانقاه را قطع، آنگاه شمشیر را در غلاف نموده و به حجره مراجعت فرمود، و پس از افاقه از آن حال در جواب سؤال مریدان و حاضران فرمود: جان هزاران مسلمان را نجات دادم. مریدان رمز

آن گفته، ندانستند تا اینکه خبر رسید که در همان روز جنگ شدیدی بین نظام علیخان و کفار مرهته در گرفته و لشکر نظام علیخان با کمتر تلفاتی بر دشمنان غلبه یافته و فاتح شده‌اند.

حضرت رضا علیشاه زندگانی با شکوه و مجلل داشت و با شوکت تمام از خانقاه بیرون می‌آمد و همیشه جمعی از خاصّ و عام و وضع و شریف در رکابش بودند. در مدت حیات آن حضرت اختلاف است. در اغلب تذکرها و تواریخ مدوّن در ایران عمر آن حضرت را تا یکصد و بیست سال هم نوشته‌اند ولی طبق ضبط کتاب مشکوه/النبوه که تدوین شده در هند موطن و مسکن جناب رضا علیشاه است و باید نزدیکتر به واقع باشد مدت حیات آن جناب را هفتاد سال می‌نویسد و تاریخ رحلت آن حضرت را هم هشتم رمضان یکهزار و دویست و پانزده ذکر می‌کند و این تاریخ فوت با آنچه در سایر تذکرها ضبط است موافق است. به هر حال از هدایت یافتگان بر دست آن جناب عده‌ای از یمن تربیت و عنایت و توجه وی به درجه کمال رسیده و به دریافت اجازه دستگیری و هدایت نایل آمده‌اند، من جمله جناب سید معصومعلی شاه و سرعلیشاه و محمود علیشاه و حیدر علیشاه هندی و اسد علیشاه دهلوی و احمد علیشاه و عنایت علیشاه و شاه طاهر دکنی، و جناب حسینعلی شاه اصفهانی که جانشین و خلیفه وی و قطب بعد از ایشان است.

جناب رضا علیشاه سید معصوم علیشاه را مأمور مسافرت ایران و هدایت و ارشاد ایرانیان فرمود، و جناب سید عزیمت ایران نموده، در آن ولایت جمعی را هدایت و دستگیری فرمود و جناب فیض علیشاه و نورعلیشاه را در ظلّ تربیت خود به کمال رسانده و با اجازه ارشاد مأمور مسافرت سایر بلاد نمود. و چون این سید بزرگوار در ایران و دور از هندوستان بود و دسترس ظاهری به قطب الاقطاب حضرت رضا علیشاه نداشت با اجازه‌ای که از آن حضرت داشت جناب نورعلیشاه را پس از خود به سمت جانشینی شخص خود به عنوان شیخ المشایخ تعیین نمود. به هر حال جناب رضا علیشاه چنانچه فوقاً ذکر شد، سال یکهزار دویست و پانزده در حیدرآباد رحلت فرمود. جانشین و خلیفه آن جناب، جناب حسینعلی شاه اصفهانی است. مزار متبرکش در خانقاه جدّ عالی مقدارش جناب شیخ محمود و جوار پدر بزرگوارش شیخ شمس الدّین است.

معاصرین آن جناب از هر طبقه از علماء و فقها:

۱ - شیخ جعفر بن شیخ خضر مشهور به کاشف الغطاء؛

۲ - سید صادق بن سید حسین حسینی معروف به فحام؛

۳ - آقا محمد باقر بن محمد اکمل مشهور به آقا بهبهانی؛

۴ - سید مهدی طباطبائی مشهور به بحر العلوم؛

۵ - میرزا محمد مشهور به شهرستانی حائری.

از عرفاء و مشایخ:

- ۱ - شیخ زاهد ثانی گیلانی؛
- ۲ - سید صدرالدین دزفولی ذهبی.

از سلاطین و امراء:

در هندوستان:

- ۱- سلطان جلاء الدین ملقب به شاه عالم؛
- ۲ - نظام علی خان آصف جاه ثانی.

در عثمانی:

- ۱- سلطان عبدالحمید اول.

در ایران:

- ۱ - لطفعلی خان زند؛
- ۲ - جعفرخان زند؛
- ۳ - آقا محمد خان قاجار.

از شعراء و حکماء:

- ۱ - سید احمد هاتف اصفهانی؛
- ۲ - میرزا حسین رونق علیشاه؛
- ۳ - میرزا عبدالله شهاب ترشیزی؛
- ۴ - میرزا جعفر اصفهانی متخلص به صافی؛
- ۵ - سلیمان صباحی شاعر.